

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: احمد مزارعی

۰۱ جنوری ۱۰۱۳

ترمیم مجسمه لنین بدستوند ولا دیمیر یوتین

رئیس جمهور روسیه، یوتین تصمیم گرفت تا مجسمه لنین در مسکو را که دچار آسیب کم می شده بود، ترمیم نمایند، لنین رهبر انقلاب سوسیالیستی آلتیر، اولین انقلاب کارگری جهان، که توانست نظام سرمایه داری را برانداخته، قدرت سیاسی را بدست طبقات محروم و ستمدیده یعنی کارگران و دهقانان بیاورد.

لنین نمونه رهبری برجسته بود که توانست میان مبارزه عملی مسلح و در عین حال نوسازی فکری و افزودن بر تفکر سوسیالیستی، نوشتن دهها کتاب و تدوین نظرات سیاسی مؤثر، برغنائی مارکسیسم و انقلاب سوسیالیستی بنیغزاید.

لنین در عین حال سنگ نبای اصلی شوروی سوسیالیستی را نیز در روسیه بایه گذاری کرد، آنچه تا آنکه استالین توانست در دوره بعد ادامه داد. با پیروزی عظیم در جنگ جهانی دوم، مرحله تشکیل اردوگاه سوسیالیستی شروع کند که نیم از اروپا و بخشها از آسیا را شامل می شد.

لنین اضافه بر اینکه قدرت سیاسی کارگران، دهقانان و توده های عظیم زحمتکش را برقرار کرد، این متفکر بزرگ، تصورات و نظریه سیاسی را که متداول است و سره ملل جهان سوم در شرق، از جمله کشورهای عربی باسد را نیز تدوین نمود، این نظریه به سمتکسان شرق کمک نمود تا برای آزادی خود بیا خیزند.

علیرغم تبلیغات شوم که برای تخریب چهره لنین و بلشویکها، از طرف امپریالیستها و مرکبین رامن زره میشود که گویا آنها مخالف منذهب، ملیت بوده و با همپسینتها هم دست بوده اند کاملاً این قضیه برعکس بوده است:

۱- لنین و همسویا لیتهها عموماً بر این باور بوده و هستند که رین و ایما، مسئله شخصی میباشند و اینها به مسائل دنیای خود بهتر از هر کسی میدانند و هیچ ارتباطی میان سوسیالیسم و ایمان و الحاد، وجود ندارد، علی‌رغم اینکه بعضیها در اروپا، "سوسیالیسم سیخی" و بعضی رگسورگی‌های عربی

هم چون عبدالناصر و جنبش ازبکستان میان سوسیالیسم و اسلام" برنامه‌های را تدوین و پیش ببرند.
۲- حزب بلشویک بر رهبری لنین، برنامه استالین را در مورد قومیت که بعنوان مسئله‌ای که از قبل از سرمایه‌داری وجود داشته مورد تأیید قرار داد، و اینکه ملت همراه با بورژوازی در مناطقی مورد نظر شکل بگیرد، حزب بلشویک در مقابل برنامه استعمار انگلستان، از ملل عرب خواست که متحد شده و بر علیه تجار و زات استعمار بیاخیزند که تا حد زیادی نتایج خوبی بیاد آورد.

۳- لنین بر این باور بود که صهیونیسم پدیده‌ای ارتجاعی در خدمت امپریالیسم است، او ل آشکارا "وعدۀ بالفور" ^(۱) و کل برنامه صهیونیسم را در فلسطین محکوم کرد. هنگامیکه انترناسیونال کمونیستی متوجه شد که یهودیان در جنبش کمونیستی حضور دارند، از آنها خواسته شد تا به جنبش (همان‌ک) عرب پیوسته و بر علیه صهیونیسم و استعمار انگلیس در فلسطین مبارزه کنند ^(۲)

۴- شاید بعضی ندانند که جنبش کمونیستی اعراب پس از خلال انترناسیونال کمونیستی، دچار رکود و شکست گردید، منظور، انترناسیونال کمونیستی که در سال ۱۹۱۹، بوسیله لنین تأسیس شد.
۵- در پایان باید گفت که ترمیم مجتهد لنین، در خود این پیام را دارد که روسیه در راهی است که عظمت گذشته خود را بدست میآورد، عظمتی که در دوره یتربزرگ، کاترین، لنین و استالین در ملت روس وجود داشت، اکنون یونین نیز در راه مبارزات بزرگ ملت روسیه میکوشد تعادل جهانی را دوباره تغییر داده و این امر بسیار مهمی است. بازگشت اعراب نیز به معنی آنچنانکه عبدالناصر با اتحاد با موسکوس شروع و باعث تغییرات مهمی گردید، باید از این منظر نگریست. امروز نیز نزدیکی سوریه با مسکو و رابطه تازه عراق و بعضی کشورهای عربی و منطقه‌ای را باید با دید مثبت تلقی کرد.

نوشته: دکتر موفق محارین، رئیس اتحادیه نویسندگان اردنی

ترجمه: احمد مزارعی ۲۹ دسامبر ۲۰۱۲.

زیرنویسها از مترجم است:

۱- بالفور، نام وزیر خارجه انگلستان در دوره پس از جنگ جهانی اول بود، وی وعده تأسیس یک دولت یهودی را در فلسطین به سران یهود اروپا داد. اما این تصمیم‌گیری بوسیله روچیلد، یا لمرستون

و سایر سران دولتهای سرمایه داری اروپا اتحاد شده بود تا با ایجاد پایگاههای مطمئن (رقلب کوردی) عرب منافع رزادمدت خود را حفظ کنند، تا قبل از سال ۱۹۱۷ بویژه در سالهای ۲۰ قرن گذشته سوریه و اروپا به فلسطین مهاجرت گسترده و تعدادشان بسیار اندک بود.

۲- با پیروزی انقلاب سوسیالیستی، برقراری برابری و رفع ظلم و ستم از زحمتکشان، بسیاری از سوریه‌ایان روسیه که تا آن زمان مورد انواع اجماعات قرار داشتند، با شور و شوق به حزب بلشویک پیوستند، این امر در دوره استالین بسیار مشهور بود.

یادداشت:

بدون آن که به بحث هدف نویسنده مطلب از مقایسه شوروی زمان لنین و ستالین و روسیه کنونی که می توان آن را جانشین به حق رژیم جنایتکار تزاری دانست، وارد شویم، هرگاه خواسته باشیم با نویسنده مطلب و قیاس مع الفارق که نموده است کاملاً بیطرفانه برخورد نمائیم، باید بنویسیم:

فردی که بخواهد بین دوران شوروی و رابطه آن کشور با خلقهای جهان و روسیه امپریالیستی کنونی در جست و جوی یافتن قرینه همکاری باشد، هرگاه چنان فردی عامل استخبارات نباشد، به یقین انسانی است که در جمع اصحاب کهف به شمار و تازه از خواب بیدار شده است، بدون آن که روند بیش از نیم قرن حیات شوروی را در نظر داشته باشد.

اداره پورتال AA-AA